

183941 - آیا درست است که به طور مطلق گفت: خداوند از مکان و زمان منزّه است؟

سوال

آیا این درست است که ما باید ایمان داشته باشیم که الله از مکان و زمان منزّه است؟ چون من این سوال را در یکی از سایت‌ها خواندم و در پی پاسخ آن گشتم، اما چیزی نیافتم جز پاسخ شیخ آل‌بانی - رحمه الله - که در جواب فرقه‌ی احباش بیان داشته بود که صفت علو را برای الله انکار می‌کنند. من الحمدلله به این اقرار دارم که الله بر عرش خود مستوی است اما منظور از این عبارت که الله از مکان و زمان منزّه است را نمی‌دانم. وظیفه‌ی من به عنوان یک مسلمان چیست؟ چون شیطان شروع به انداختن وسوسه در ایمانم کرده که نکند کافر شده‌ام، و من از عذاب خداوند می‌ترسم و بیم این دارم که شاید به یک چیز غیر صحیح معتقد شده‌ام.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

گفتن اینکه الله متعال از مکان و زمان منزّه است به طور مطلق صحیح نیست، به دو سبب:

اول اینکه: اطلاق این سخن در سنت نیامده و در سخن سلف نیز معروف و شناخته شده نیست.

دوم آنکه: از این اطلاق ممکن است معنای فاسدی فهمیده شود و بیشتر کسانی که این سخن را تقریر نموده و بیان کرده‌اند منظورشان نفی علو الله متعال بر بندگانش و نفی استوای او بر عرش بوده است.

شکی در این نیست که نفی علو خداوند و بالا بودن وی بر مخلوقات، اعتقادی است باطل و از بزرگترین مسائلی است که جهمیه در آن با اهل سنت اختلاف کرده‌اند و سلف نیز این گمراهی آنان را رد کرده و پاسخ داده و بیان داشته‌اند که چنین اعتقادی کفر به پرورگار و در تناقض با نصوص متواتر شرعی و اجماع سلف و در تناقض با ضرورت عقلی و مقتضای فطرت سلیم است.

ثانیا:

با وجود گمان غالب بر اینکه این عبارت برای یک معنای باطل به کار برده می‌شود اشکالی ندارد هدف از به کار بردن چنین عبارتی را از گوینده‌اش بپرسیم تا مطمئن شویم منظور وی یک معنای شرعی صحیح است یا یک معنای بدعی و مردود، و البته با هشدار در مورد به کار بردن چنین عباراتی که ممکن است در حق خداوند حاوی نوعی ابهام باشند.

اگر کسی گفت: **ما خداوند را از مکان منزه می‌دانیم** می‌گوییم: منظور چیست؟

اگر گفت: یعنی اینکه هیچ یک از مخلوقات خداوند به او احاطه ندارند، می‌گوییم: این یک معنای صحیح است که در موردش با تو موافقیم؛ زیرا چگونه ممکن است چیزی از مخلوقاتالله که اول و آخر و ظاهر و باطن است، بر وی احاطه داشته باشد؛ بلکه خداوند بزرگتر و برتر و والاتر از هر مخلوق دیگری است و کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته است. بخاری (۴۸۱۲) و مسلم (۲۷۸۷) از ابی‌هریره - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند که گفت: از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که فرمود: **الله زمین را در مشت خود می‌گیرد و آسمانها را به دست راست خود در هم می‌پیچاند، سپس می‌فرماید: منم پادشاه، کجایند پادشاهان زمین؟!.**

اما اگر گفت: من این را می‌دانم، ولی منظور من از مکان، علو و بلندیِ وِرای عالم است، پس وی علوالله بر مخلوقات را نفی کرده است.

اینجا به وی می‌گوییم: این معنایی است فاسد و باطل که ناقض عقل صریح و نقل صحیح می‌باشد.

شیخ ابن عثیمین - رحمه الله - می‌گوید:

«اگر منظورش از نفی مکان، مکانی است که الله عزوجل را در بر بگیرد، این نفی، درست است، زیرا هیچ یک از مخلوقات الله وی را احاطه نمی‌کند و او بزرگتر و گرامی‌تر از آن است که چیزی وی را در بر گیرد، چگونه ممکن است در حالی که:

وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ [زمر: ۶۷]

(زمین در روز قیامت یکسره در قبضه‌ی اوست و آسمانها پیچیده به دست او).

اما اگر منظورش از نفی مکان، نفی بودن الله در علو و بلندی است، این نفی صحیح نیست، بلکه به دلیل کتاب و سنت و اجماع سلف و عقل و فطرت، باطل است.

از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت است که ایشان خطاب به آن جاریه فرمود: **الله کجاست؟** او گفت: در آسمان. پس خطاب به صاحبش فرمود: **او را آزاد کن، چرا که مومن است** به روایت مسلم (۵۳۷).

همه‌ی کسانی که الله را به دعا می‌خوانند با قلب خود به بالا رو می‌آورند و این همان فطرتی است که الله خلق خود را بر آن سرشته و جز کسانی که توسط شیاطین گمراه شده‌اند کسی از این فطرت منحرف نمی‌شود. هیچ انسانی که فطرتش سالم است را نمی‌یابی که هنگام دعای الله عزوجل دلش به راست یا چپ یا پایین روی آورد یا به هیچ سویی مایل نشود، بلکه حتماً با قلب خود متوجه بالا می‌شود» (مجموع فتاوی و رسائل ابن عثیمین: ۱/ ۱۹۶ - ۱۹۷).

و اگر منظورش این است که الله در همه جا هست به طوری که هیچ مکانی او را محصور نمی‌کند، این نیز سخنی باطل و بلکه باطل‌ترین سخن است. علمای کمیسیون دائم فتوا می‌گویند:

هر که بگوید: الله با نفس و ذات خود در همه جا هست، چنین کسی حلولی و خطاکار و کافر است، و هر که بگوید: الله با علم خود و نه با ذاتش در همه جا هست، سخن او صحیح است (فتاوی اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى: ۲ / ۳۸).

ابن قیم - رحمه الله - در نونیه‌ی خود (۲۹۵) چنین می‌سراید:

و پروردگار بر عرش و کرسی است و آنچه در دل انسان‌ها می‌گذرد بر وی مخفی نمی‌ماند

او را در مکان محصور نکنید آنگاه که می‌گویید: پروردگار ما حقیقتاً در همه جا هست

او را با نادانی خود از عرش منزّه دانستید و سپس در جای دیگری محصور کردید!

با این سخن که او نه داخل عالم است و نه خارج آن وی را معدوم و ناموجود ندانید!

مراجعه نمایید به پاسخ سوال (11035) و سوال (124469).

ثالثاً:

همینطور گفتن اینکه: الله متعال از زمان منزّه است چراکه این سخن در کلام سلف شناخته شده نیست، و باید از گوینده‌ی آن پرسیده شود که منظورش چیست؟

اگر گفت: منظورم این است که خداوند قبل هر چیز و بعد از هر چیز بوده و خواهد بود، می‌گوییم: این معنایی است صحیح و با تو در این باره موافقیم.

از جمله دعا‌های پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چنانکه مسلم (۲۷۱۳) روایت کرده این بود که: **اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ**. یعنی: (خداوند تویی آن اول که قبل از تو چیزی نیست، و تویی آن آخر که پس از تو چیزی نیست، و تویی آن ظاهر که بالاتر از تو چیزی نیست، و تویی آن باطن که نزدیک‌تر از تو چیزی نیست).

شیخ بن باز - رحمه الله - می‌گوید:

اول و ظاهر، تنها الله سبحانه است و اوست که قبل از هر چیزی و بعد از هر چیز است. و اوست آن ظاهر که بالای همه‌ی مخلوقات است و پس از آنان باقی می‌ماند (مجموع فتاوی ابن باز: ۷ / ۲۹۲).

و اگر بگوید: منظورم نفی صفاتی است که متعلق به زمان است، یعنی صفات فعلیه یا افعالی اختیاری مانند استواء و نزول و خندیدن و خشنودی و خشم و مانند این صفات که به مشیئت و اراده‌ی الله سبحانه و تعالی مربوط است، که هر وقت و هر گاه بخواهد این کارها را انجام می‌دهد و هر وقت و هرگاه بخواهد انجام نمی‌دهد؛ و با نفی این باب ادعا نماید الله از زمان منزّه است. در این صورت به او می‌گوییم: این معنایی است باطل و فاسد و با تو در این مورد موافق نیستیم؛ به دلیل اجماع اهل سنت بر اثبات صفت نزول پروردگار در یک سوم پایان شب، به گونه‌ای که شایسته‌ی او سبحانه و تعالی است، چنانکه بر اساس نصوص ثابت شده است، و این اصل را برای همه‌ی صفات مشابه در این باب، تطبیق می‌دهند.

برای شما خواهر مسلمان واجب است که دروازه‌ی وسوسه‌ها و شبهات را به روی خود ببندید، و هنگامی که خداوند با اعتقاد صحیح بر شما منت نهاده همه‌ی مطالعه و پژوهش و یادگیری خود را به کتب اهل سنت و علمای معروف قدیم و معاصر مصروف بدارید؛ همانند کتب شیخ الاسلام ابن تیمیه و ابن قیم و کتب شیخ الاسلام محمد بن عبدالوهاب و مشایخ دعوت امثال شیخ ابن باز و شیخ ابن عثیمین، و همینطور توصیه می‌کنیم از سلسله کتاب‌های **العقیده فی ضوء الکتاب والسنة** (عقیده در پرتو کتاب و سنت) اثر شیخ عمر سلیمان الاشقر - رحمه الله - بهره ببرید.

هر که از شیطان رجیم به الله متعال پناه ببرد و از او عصمت و محافظت و ثبات بر دین و روش اهل سنت و جماعت را خواستار شود و در پنهان و آشکار تقوای الله را در پیش بگیرد، هرگز شیطان با وسوسه‌ها و تردیدهای خود بر وی مسلط نخواهد شد.

برای استفاده‌ی بیشتر به پاسخ سوال (12315) و سوال (39684) مراجعه نمایید.

والله اعلم.